

**سخنرانی مریم رجوی به مناسبت شب قدر****۴ خرداد ۱۳۹۸**

مراسم شب قدر و شهادت مولای متقیان علی (ع) در جمع مجاهدین اشرف -۴ خرداد ۱۳۹۸ به مناسبت شب‌های احیا و قدر و شهادت مولای متقیان علی (ع) به او که الگوی جاودان رهایی انسان است درود می‌فرستیم.

شب‌های قدر و احیا مبشر قدر آزادی و رهایی ملت ایران است. مبشر احیای نیروهای به بند کشیده و سرکوب شده ملت ماست.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ / وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ / لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ / تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ / سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

به نام خداوند بخشنده و مهربان

همانا ما قرآن را در شب قدر فرستادیم. و تو چه می‌دانی که شب قدر چیست. شب قدر از هزار ماه بهتر است. در آن شب فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان نازل می‌شوند. شبی سراسر سلام است تا صبح دم.

در این سوره انسان مخاطب قرار گرفته است تا یک مفهوم تعیین‌کننده را دریابد، فهم کند و در اعتقادات و در زندگی آرمانی خود وارد کند. و این همان قدر است؛ به معنی لحظه و زمان حتمیت‌ها، ضرورت‌ها و قانون‌مندی‌ها.

در عین حال لیل‌القدر یک پدیده دائمی است و هر سال تکرار می‌شود و توقف ندارد. و نگرش و تنظیمی نسبت به انسان و جامعه و تاریخ را به اعتقادات ما وارد می‌کند.

این نگرش که انسان می‌تواند و البته مسئول اوست که از اجبارات و تقدیر کور خودش را آزاد کند و سرنوشت خودش را تغییر دهد. یعنی می‌تواند اختیار سرنوشت را به دست بگیرد نه این که محکوم و مجبور باشد.

## پیوند انسان با جمع

سوال این است که انسان چگونه می‌تواند تغییردهنده و تعیین‌کننده باشد؟ حقیقت این است که قدر و دست پیدا کردن به کیفیت بیش از هزار ماه در وهله اول محصول انتخاب خود انسان است. پس قدر انسان در قدم اول نیازمند انتخاب است. و این قدم فوق‌العاده تعیین‌کننده است. چون لازمه این انتخاب پرداخت قیمت است. لازمه‌اش فدا کردن است و همین انسان را یک‌باره وارد دنیای تازه‌بی می‌کند. و انسانی که انتخاب کرده از خودش، منافع خودش و اولویت‌های خودش بگذرد در ادامه ضرورتاً پیوندهای خود را با جمع انسان‌ها برقرار و محکم می‌کند. بنابراین ورود به چنین دنیایی تصادفی، غیرقانونمند یا یک امر ذهنی نیست. بلکه انسان آگاهانه و مختارانه موانع درونی و بیرونی را کنار می‌زند تا بر جدایی‌ها و بیگانگی‌ها غلبه کند و به یگانگی برسد. پس آن نیرویی که سرنوشت را تغییر می‌دهد خود انسان است. در واقع جمع و اجتماع انسانی است.

## جهش و تحول با ارزش‌های انقلابی و انسانی

انسان استعداد و ظرفیت دارد که بی‌شمار ارزش‌های ایدئولوژیک و انسانی را در خود بارز کند و چنانچه با جمع انسان‌های پیشتاز و وارسته پیوند بخورد می‌تواند همین ارزش‌ها را از یک نیروی بالقوه به فعل درآورد و دنیای خود و جامعه خود را زیر و رو کند. زیرا تمامی ارزش‌های نهفته در سایرین و جمع هم به خدمت هر فرد درمی‌آید و درهم ضرب می‌شود.

خصیصه اصلی جمع، مبارزه و مقاومت در برابر دشمن است. مبارز ماندن و مجاهد ماندن یعنی روابط و مناسبات خود را با جمع محکم کردن. چون سلاح ما در مبارزه با رژیم جمع است و تشکیلات. یعنی کیفیت در مقابل کمیت.

## رژیم آخوندها نیروی ضد قدر

مرتجعین حاکم برای ادامه حکومت ضدانسانی خود نقش تعیین کننده جامعه ایران و نیروی پیشتاز آن را انکار می‌کنند. آن‌ها این حقیقت را می‌پوشانند که مردم ایران از ظرفیت و نیروی مکفی برای دگرگونی و تغییر برخوردارند.

اما در جامعه ما آن امکانات قابل تحقیقی که می‌تواند قدر و تقدیر تازه‌یی را بسازد، به وفور ذخیره شده است. استعداد و ظرفیت کافی از همه جهت، در این جامعه و در فرهنگ و ذهنیت مردم نهفته است که یک دگرگونی بزرگ را فراهم کند.

اجل و سرآمد تاریخی و ایدئولوژیکی و سیاسی رژیم ولایت فقیه فرارسیده. دینامیزم و نیروی درونی این رژیم به انتها رسیده است. و شعارهای اساسی‌اش که در چهار دهه گذشته یکی از مهم‌ترین وسائل سرکوب و دجالگری بوده، به کلی بی‌اثر شده. از شعار اسلام پناهی و مستضعف‌گرایی تا دجالگری ضد آمریکایی و قدس از طریق کربلا.

به‌همین دلیل، ایمان آوردگان به قدر، تغییر و دگرگونی بزرگ و حرکت و جوشش درونی جامعه را در پس سرکوبگری‌ها و فریبکاری‌های رژیم می‌بینند. در نتیجه لحظه‌یی قلب و ضمیرشان از امید به یک آینده پرشکوه تهی نیست و به همین دلیل خود را مسئول می‌بینند و پیوسته در نبرد و پیکارند.

درست در مقابل پیشتازان و صاحبان قدر، رژیم آخوندها نیروی ضد قدر است. از هر راهی تلاش می‌کند، شعله‌های امید را خاموش کند، گرد یأس و سکون و انفعال و ناتوانی بپاشد و چشم‌اندازهای واقعی را منکر شود. با همین هدف به معنای دقیق کلمه مذهب تخدیر را رواج می‌دهد. به این همه سنت‌های ارتجاعی که در این چند سال آخوندها رواج داده‌اند، نگاه کنید. این‌ها همه برای مهار جامعه ایران و منحرف کردن شور و نیرویی است که در دل این جامعه برای تغییر وجود دارد.

بله قدر در ذات خود انقلاب و نیروی تغییر و شورش را برمی‌انگیزد. و در تعارض است با سنت‌های ارتجاعی و هر آنچه که به تسلیم و سازش و ساختن با وضع موجود فرا می‌خواند.

در برابر همه این تفکرات شرک آمیز و فرهنگ عقب مانده که از نظر سیاسی و طبقاتی توجیه کننده رژیم حاکم است، درک ما از اسلام، در ایمان به قدر در رزمندگی و پیکار مستمر، در تغییر، در حرکت به سوی جامعه‌یی عاری از ستم و بهره‌کشی و مبتنی بر توحید و یگانگی است. یعنی ادراکی شورشگر، فعال و مبارز که به نیروهای بالنده جامعه متکی است و می‌خواهد آن‌ها را رو بیاورد. و در پی آن است که جامعه را مطابق این آرمان‌های رهائیبخش بسازد.

این ادراکی است که دائماً و فعالانه روی هدف و آرمانی متعالی متمرکز است و هیچ روز و ساعتی را به عبث و بیهوده نمی‌گذراند. و دائم در رزم و نبرد است.

## تفسیر مسعود رجوی از قدر

در اولین سال بعد از سقوط رژیم شاه مسعود رجوی در یک سخنرانی در دانشگاه تهران تفسیر عمیقی از مفهوم قدر ارائه کرد. در این تفسیر می‌گوید: «تمام تاریخ انسان در یک کلام نبرد همه جانبه انسان با سرنوشت است. و این انسان آگاه و بیناست که روز بروز می‌خواهد خود را از قید تقدیرها و اجبارات کور رها کند، آزاد بشود و بر سرنوشت خودش حکومت کند. تقدیر شوم و سرنوشت نامطلوب را به سرنوشتی مطلوب و مهارشده تبدیل کند».

«ما به دنبال طرح مناسبات و نظم نوینی هستیم. و در تفسیر سوره قدر، تقدیرگرایی کور و استنباط شرک آمیز از قدر را رد می‌کنیم و تأکید می‌کنیم که انسان، جهان خارج از خود را مطابق آرمان خود می‌سازد.»

«هر یک از ما اگر مبارزه می‌کنیم هنری نکرده‌ایم. گلی بر سر کسی نزده‌ایم. این کمترین وظیفه ماست. چرا که جدایی انسان از مسئولیتش جدایی انسان است از انسانیتش».

براستی که مسعود رجوی در دهه‌های گذشته چه در سیاهچال‌ها و شکنجه گاه‌های شاه و چه در کوران مبارزه با خمینی و چه در ابتلائات بیشماری که بر سر راه این مقاومت قرار داشت، عمیق‌ترین و درخشان‌ترین تفاسیر و برداشتها را از قرآن به ما عرضه کرد. این یکی از ناگفته‌های رهبر این مقاومت است که چگونه از دل یک مبارزه سراسر رنج و خون به عمیق‌ترین و موثرترین برداشتها از اسلام و قرآن دست یافته و با اتکا به همین برداشتها به این مبارزه که هدف غایی‌اش در هم شکستن غل و زنجیرهای پیدا و پنهان استثمار بر خلق خداست غنا بخشیده است. او قرآن را در میدان سرسخت مبارزه بازشناسی کرده و آنرا برای ارتقا همین مبارزه با ارتجاع و بنیادگرایی به کار گرفته است. به همین خاطر است که تفاسیر مسعود در میان همه برداشتها و تفاسیر بیشماری که بر قرآن نوشته شده است جایگاه ویژه‌ی دارد و قرآن را به سازنده‌ترین شکل ممکن به اعماق زندگی و حیات انقلابی و مبارزاتی آدمی می‌آورد.

و این چنین بود که توانست نسل بی‌شماران را در برابر ایلغار ارتجاع در همه برداشتها و تفاسیر و عملکردهای ضداسلام و ضدانسانی خمینی و خامنه‌ای و دارودسته آنها مسلح به سلاح برتر اسلام واقعی و انقلابی و مکتب اصیل توحید بکند و بزرگ‌ترین مقاومت سراسری در برابر استبداد دینی را شکل بدهد و این چنین غبار از رخ اسلام واقعی زدوده و ارتجاع مذهبی را افشا کند.

## علی قدر انسان

خواهران و برادران!

قدر انسان و قدر جامعه بشری مبتنی بر استعدادهای درونی آنهاست اما در عین حال جز با انتخاب کردن، جز با قدم در راه گذاشتن، جز با برخاستن و عزم جزم کردن محقق نمی‌شود و لازمه همه این‌ها فدا کردن است.

این مضمون همین آیه قرآن است که

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛

خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!

بله، قدر انسان و قدر جمع وقتی واقع می‌شود که ابتدا انسان انتخاب کند و بهایش را بپردازد. حالا ببینیم این رهنمون اساسی و این اصل رستگارکننده و این دینامیزم پیشرفت و نو شدن مستمر را با چه الگویی می‌توان فهم کرد؟ این الگو همانا مولای متقیان علی (ع) است.

حقیقت این است که نزدیک شدن به فهم جایگاه علی برای فهم معنای حقیقی قدر کافی است. زیرا علی قدر انسان است و چنانکه مسعود گفته است: «خبر پیروزی فرزند انسان بر تقدیر کور است...»

سرمشق و شاخص واقعی برای بشریت است اینکه انسان در همه حال قادر است با آرمانش حرکت کند و همه نیروها و موانع ضدتکاملی فردی و اجتماعی را مقهور و مغلوب خودش کند.

دیدگاه‌ها و مواضع حضرت علی هر کدام تهاجم قاطعی به بنیادهای جهل و ارتجاع در دنیای آن روز بود. از مواضعی که در اولین روز شروع حکومت‌اش گرفت که گفت همه دارایی‌ها و حقوق به‌نیما رفته مردم باید بازگردانده شود تا مخالفت‌اش با اعمال تبعیض علیه ملل تازه مسلمان و هم‌چنین مخالفت‌اش با جنگ‌های توسعه‌طلبانه.

او نابرابری و بی‌عدالتی را مردود شناخت و با دادن امتیازها به طبقه اشراف در ستیز بود، با ادامه رسوم جاهلی در می‌افتاد. و همه این‌ها قیمت دادن مستمر از جانب مولای متقیان را می‌طلبید.

وهرکدام از این جهت‌گیری‌ها آتش دشمنی‌ها را از جانب صاحبان منافع کلان و نمایندگان طبقه حاکم بر می‌انگیخت.

حضرت علی (ع) الگویی برای زمامداری ارائه کرده است. الگویی که بر اساس آرمان و آیین محمدی است.

در نامه معروفش به مالک اشتر که منصوب حضرت علی برای مصر بود، علی (ع) شمه‌یی از آیین زمامداری را آورده است. از جمله این که:

«مهربانی و خوشرفتاری و نیکوئی با مردم را در دل خود جای ده و مبادا نسبت به ایشان چون جانور درنده بوده خوردنشان را غنیمت دانی. مردم دو دسته‌اند یا در دین با تو برادرند یا در آفرینش مانند تو هستند؛ اما گرفتار لغزش بوده و سبب‌های بدکاری به آن‌ها روآورده و عمدا و سهوا در دسترسشان قرار می‌گیرد، پس با بخشش و گذشت خود آنان را عفو کن همانطور که دوست داری خدا با بخشش و گذشتش تو را بیمارزد.

درباره مردم انصاف را از دست مده که اگر نکنی ستمکار باشی

از روی گردنکشی از مردم رو برمگردان، و به کارهای کسانی از ایشان رسیدگی کن که چشم‌ها آن‌ها را خوار می‌نگرند و مردم آنان را کوچک می‌شمارند.

پاره‌یی از وقت را برای نیازمندان قرار ده

و لشگریان و دربانان خود را از (جلوگیری) آن‌ها بازدار تا سخنگوی ایشان بی‌ترس و نگرانی سخن گوید  
من از رسول خدا بارها شنیدم که می‌فرمود هرگز امتی پاک و آراسته نگردد مگر آنکه در آن امت/ حق ناتوان بی‌ترس و نگرانی از توانا گرفته شود.

پس درستی و ناهمواری و آداب سخن ندانستن را از آنان تحمل کن و به روی خود نیاور.

حضرت علی در سخنرانی دیگری مشخصات انسان‌های آرمان‌گرا را این چنین بیان می‌کند:

«آن‌ها در رفتار و گفتار فروتنند، دیده‌هاشان را از آنچه خدا بر آنان حرام کرده پوشیده‌اند، و گوش‌هاشان را به دانشی که برای آنان سودمند است، باز می‌کنند.... از کردار اندک خود خرسندی ندارند، و طاعت‌های فراوان را بسیار نشمارند. پس آنان خود را متهم شمارند و از کرده‌های خویش بیم دارند».

آری علی(ع) تجسم‌اعلای همان درس درخشانی است که خودش به‌همه انقلابیون و مجاهدین و شورشگران در نسل‌های پس از خود داده است که جهاد لباس تقواست و هم‌چون زره‌یی محکم، سپر و نگهبان ارزش‌هاست و هرکس از آن فاصله بگیرد، خدا لباس ذلت و گرفتاری به او خواهد پوشاند.

در آخرین روزهای حیات، در وصیت خود به فرزندانش درس ماندگاری به‌همه مجاهدان و پیشتازانی داد که نسل در نسل پس از او می‌آیند و راه علی را دنبال می‌کنند. در این وصیت می‌گوید:

شما را به تقوا وصیت می‌کنم، دنبال دنیا و جاذبه‌های آن نباشید هرچند که می‌خواهد شما را جذب کند.  
برآنچه از دنیا از شما گرفته شده تأسف نخورید. حقیقت را بگوئید و کار خود را بی‌چشمداشت انجام دهید.  
دشمن ستمکاران و پشتیبان ستمکشان باشید.

شما را به نظم و سازمان یافتگی و اصلاح روابط و مناسبات خودتان وصیت می‌کنم. همانا از رسول خدا شنیدم که می‌گفت اصلاح مناسبات از کل نماز و روزه برتر است.

بله، مبارزه و جهاد مولای متقیان در لحظه شهادتش متوقف نشد. او در تمام نسل‌های بعد از خودش با ارتجاع و دجالیت و با ستم و بی‌عدالتی در جنگ است و امروز الهام‌بخش و راهنما و راهبر اسلام انقلابی و رهایی بخشی است که مجاهدین با اتکا به آن در برابر ارتجاع خمینی و اعوان و انصارش می‌رزمنند.

علی(ع) به قول مسعود «قدر انسان و پیام پیروزیست، پیروزی مجسم انسان بر دیو سرنوشت بر تقدیر کور و اجبارت بنده ساز و بر همه موانع و سدهای دوران ... خبر پایان ستم و سرکوب و ظلمت. خبر پیروزی و فتح و غلبه بر دجالیت و ارتجاع و برجاهلیت.

و اوست صراط مستقیم

## نیایش

و حالا در شب قدر و احیا رو به سوی خدای بزرگ می‌آوریم.

ای خدا ما از آغاز راه تو را در پیش گرفته‌ایم و برای هدف‌های خدایی و مردمی به مجاهدت برخاسته‌ایم و برای ایفای تعهداتمان در این مسیر یاری می‌طلبیم.

خدایا مجاهدین خلق ایران، در ادامه راه بنیانگذاران شهید این سازمان، و تحت آموزش‌های روزانه مسعود رجوی، همچنان زنگار ارتجاع آخوندی را از آیین پاک محمدی، می‌زدایند تا درخشش خیره کننده آن بار دیگر راهگشا و راهنمای انسان‌ها قرار گیرد، خدایا این نسل را برای دستیابی به این هدف یاری کن.

امشب شب شهادت علی علیه السلام مقتدای تاریخی ما است. آن خورشید فروزانی که هرگز خاموشی نپذیرفته و همچنان ما را در پیمودن طریق توحید راهنما و کمک کار است.

خدایا در آستان نخستین راهگشا و راهبر اسلام انقلابی به حق شهیدان مجاهد و مبارز از تو می‌خواهیم تا مجاهدین را یاری کنی که کلمه حق و آزادی را در ایران ظاهر و کلمه ولایت فقیه را باطل و از تاریخ ایران زمین محو کنند.

-خدایا تو سال‌هاست که آتش توطئه‌های مستمر دشمن را علیه راهبر این مقاومت مسعود رجوی سرد کرده‌یی. با همه وجود ترا به سبب لطف و کرامتی که از این راه نصیب نسل ما می‌کنی شکرگزاریم. شهادت می‌دهیم که او جز در راه کسب رضایت تو و رهایی خلق تو گام بر نداشته است.

او را در کنف حمایت و حفاظت خود بگیر. او را یاری کن تا نیم قرن مبارزه خونبار مجاهدین را با بیش از ۱۲۰ هزار شهید، به سرانجام و نتیجه شایسته‌اش برساند، تا مردم ایران و ملت منطقه آزادی و برادری و صلح و آرامش را تجربه کنند. او را در مسئولیت بزرگش موفق و پیروز کن.

-پروردگارا، سال‌هاست که در چنین شبی مجاهدین خلق ایران در هر کجا که هستند، دیدار علی را غنیمت شمرده، نقشه مسیر خودشان را ترسیم کرده و قدرشان را رقم می‌زنند.

خدایا گم‌هایشان را استوار کن، قلب‌هایشان را سرشار از عشق خودت و خلقت بگردان  
رزمندگان کانون‌های شورشی، برای رهایی مردم ایران از خودگذشتگی می‌کنند. خدایا برجسارت و فداکاری آن‌ها بیفزای،

یاریشان کن تا هر روز و هر ساعت در انجام وظایف انقلابی و میهنی‌شان بکوشند.

مردم ما در زنجیر و زندان ولایت فقیه‌اند. کارگران و زحمتکش‌شان در خط مرگ بسر می‌برند. زنان در ناامنی و ستم، عاصی‌اند. کودکانمان گرسنه و یتیم و بی‌سرپرستند. و جوانان بی‌آینده و گم‌گشته و شورشی‌اند و مردان با دست‌های خالی در برابر خانواده شرمنده ولی خشمگین‌اند.

خدایا به حق علی علیه السلام این شورشگر بزرگ بر ظلم و تباهی، گرد یاس و ناامیدی و غم و اندوه را از مردم ما بزدای و روح قیام و ایستادگی و شورش را بر این میهن بگستران.

-پروردگارا، زندانیان سیاسی در سیاه چال‌های خامنه‌ای، جبهه دیگری از نبرد بی‌وقفه را در دست دارند. آن‌ها در زیر شکنجه و برخی در نوبت اعدام‌اند.

خدایا پایداری و استواری زندانیان را صد چندان بماند، آن‌ها هدف انواع فشارها و توطئه‌ها هستند. از جمله فرزندان بلوچ و عرب و کرد و هموطنان اهل سنت و هم‌چنین زنان که تحت فشارهای مضاعفند، خدایا به همه آن‌ها قدرت مقاومت عطا کن.

-خداوند! اشرف‌نشان‌ها و یاران این مقاومت، که فریاد مردم مظلوم ایران را در سراسر جهان پژواک می‌دهند. خدایا آن‌ها را در انجام وظایف ملی و میهنی‌شان یاری کن.



به مجاهدین پایداری برعهد و پیمان، ایستادگی برسوگند، تکیه برجمع، فزاینده‌گی در پرداخت، استواری در راه و سرفرازی در مجاهدت عطا کن  
به آنها قدرت پرداخت و فداکاری هرچه بیشتر برای خلقشان عطا کن.  
و آنها را در تحقق امر سرنگونی موفق بگردان تا بزرگ‌ترین حق را که حق حاکمیت مردم ایران است از چنگال آخوندهای غاصب و اشغالگر آزاد کنند.

به ما توان بده که همواره تغییرگر و آفریننده ارزش‌های نویی باشیم که علی علیه السلام شاخص آن بود.

—خدایا مجاهدین را شایسته کن تا به یمن انقلابشان در مقابل خیانت، بی‌اعتمادی، ناامنی، و ظلم و ستم آخوندهای حاکم، آزادی و برابری و اعتماد و محبت و همه ارزش‌های به یغما رفته انسانی را برای مردم ایران به ارمغان ببرند. که این همانا تنها پاسخ دردهای جامعه خمینی زده و آخوندزده فردای ایران است.